



شتر از دیدگاه قرآنی و روایات و سیره نبوی

حسن برجی

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hborji@um.ac.ir

در قرآن کریم اسامی برخی حیوانات ذکر شده که هر یک در جای خود قابل تأمل و بررسی است. شتر از دیدگاه قرآن چنان با اهمیت و درخور دقت است که بسان آسمان و زمین و کوهها از آیات و نشانه های وجود و قدرت بی کران خداوند ذوالجلال به شمار می رود:

«افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت والى السماء كيف رفعت والى الجبال كيف نصبت والى الارض كيف سطحت.»

آیا مردم به خلقت شتر نمی نگرند که چگونه (در آن حکمت و منفعت برای بشر) خلق شده است و در آفرینش آسمان فکر نمی کنند که چگونه آن را بر افراشته اند و کوهها را نمی بینند که چگونه بر زمین نصب شده اند و بر زمین نظر نمی کنند که چگونه گسترده اند؟ شتر در زبان عربی اسامی متعددی دارند، در قرآن نیز به چند نام از آن اسم برده شده است.

شتر یکی از حیواناتی است که در قرآن کریم بارها نام آن ذکر شده است. قرآن کریم سیزده بار از شتر بانام های: ابل، بعیر، جمل، ناقه، یاد کرده است.

در قرآن کریم کلمه «انعام» بارها به کار رفته است، در آیات و روایات، انعام به معنای گاو و گوسفند و شتر است، اما ارباب لغت مانند راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود و همچنین مفسران مانند صاحب مجمع البیان تصریح کرده اند که معنای اصلی انعام، شتر است و زمانی بر گاو و گوسفند اطلاق می شود که شتر جزو آنها باشد. بهر حال در تمام آیاتی که از منابع و آثار انعام بحث شده، از انعام به آیت، عبرت و نعمت یاد شده است، و به طور یقین شتر نیز جزو آنها است. در زبان عرب، با توجه به صفات شتر نام های مختلفی بر شتر نهاده شده است که هر اسم خصوصیتی دارد. قرآن کریم نیز به برخی از این نام ها مانند: بحیره، بدن، سائبه، حام، ضامر، عشار اشاره کرده است. و مادر اینجا به توضیح نام هایی که در قرآن به کار رفته است می پردازیم.

۱- **بحیره**: به ماده شتری گفته می شود که پنج بچه شتر زاییده باشد و آخرین آنها ناباشد. چنین شتری در جاهلیت عرب مورد احترام بود، به طوری که برای سواری یا بارکشی از آن استفاده نمی کردند و پشم و کرکش را نمی چیدند و از هیچ آب و گیاهی منع اش نمی کردند و کسی حق آزار او را نداشت، و برای آن که شناخته شود، گوش او را چاک می دادند. واژه بحیره در آیه ۱۰۳ سوره مائده بدین

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran
دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



گونه آمده است که: « مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ » است.

۲- **بدن**: به معنای شتر قوی هیکل و چاق و فربه است که برای قربانی به مکه و منی برده می شود، جمع آن بدنه است. واژه بدن در آیه ۳۶ سوره حج بدین گونه آمده است که: « وَالْبَدْنَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا » است.

۳- **سائبه**: در جاهلیت عرب، برای سائبه چند معنی بیان شده است:

الف - شتری که ده بچه ماده زاییده باشد که او را آزادمی کردند و کسی بر او سوار نمی شد و شیر او را نمی دوشیدند، و بعد از آن هر چه بچه می زایید گوش آنها رامی شکافتند و همراه مادرشان آزادمی گذاشتند تا با آزادی کامل به چراپردازند و کسی متعرض آنها نمی شد، و این بچه شترها را بحیره می نامیدند.

ب - شتری که مردم برای بت آزادمی کردند.

ج - شتری که به واسطه نذر آزاد می شد و از شیر و پشم او استفاده نمی کردند و بر او سوار نمی شدند.

واژه سائبه در آیه ۱۰۳ سوره مائده بدین گونه آمده است که: « مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ » است.

۴- **حام**: در جاهلیت به شترنری که از صلب و پشت اوده بچه شتر بوجود آمده باشد، حام می گفتند، و او را آزادمی کردند و کسی حق سوار شدن و استفاده از او را نداشت.

واژه حام در آیه ۱۰۳ سوره مائده بدین گونه آمده است که: « مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ » است.

۵- **ضامر**: به شتری که بر اثر بار کشیدن و یاسوار شدن، لاغر شده باشد و همچنین به شترانی که راه طولانی طی کرده و به مکه و حرم رسیده باشند ضامر گفته می شود.

واژه ضامر در آیه ۲۷ سوره حج بدین گونه آمده است که: « وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ » است.

۶- **عشار**: به ماده شتری که ده ماهه آبستن باشد یا بچه زاییده باشد عشار گفته می شود و چنین شتری جزو مهم ترین و ارزشمندترین ثروت عرب بوده است.

واژه عشار در آیه ۴ سوره تکویر بدین گونه آمده است که: « وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ » است.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



۷- **نعم**: به شتر نعم گفته می شد و به شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. شتر نعم نامیده شده است چون آرام و بدون سر و صدا حرکت می کند. واژه نعم آیه ۹۵ سوره مائده بدین گونه آمده است که: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ » است.

۸- **ابل**: ابل بکسر الف به معنی مطلق شتر است اعم از نر و ماده و از هر جنس که باشد و لفظ آن مفرد است و دلالت بر جنس دارد.

« ا فلا ينظرون الى الابل كيف خلقت؛ آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده! »

۹- **جمل**: جمل به معنای شتر نر و طناب کشتی می باشد. در صحاح اللغة آنرا مطلق شتر گفته و نر بودنش را از فراء نقل کرده است. «... و لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط و كذلك نجزي المجرمين؛ و آنها هرگز به بهشت در نمی آیند تا شتر نر در سوراخ سوزن فرو رود. و این چنین ما گنهکاران را کیفر می دهیم.»

۱۰- **ناقة**: ناقة به معنای شتر ماده هفت بار در کلام الله مجید آمده و همه در باره حضرت صالح (علیه السلام) است.

«... هذه ناقة الله لكم آية فذروها تاكل في ارض الله...؛ این ماده شتر خداست که برای شما نشانه ای (از توحید و قدرت و رحمت او) است،...»

۱۱- بعیر

بعیر به معنای مطلق شتر است اعم از نر و ماده، چنانکه جمل شتر نر و ناقة شتر ماده است. این کلمه فقط دو بار در قرآن آمده است. «... و لمن جاء به حمل بعیر...؛ گفتند: پیمان شاه را گم کرده ایم و برای هر کسی که آن را بیاورد بار یک شتر (جایزه یا حق الجعالة) خواهد بود و (من جاززننده) خودم آن را ضامنم.»

۱۲- هیم

هیم جمع اهیم و مؤنث آن هیماء است و آن شتر تشنه را گویند که از آب سیر نمی شود البته در اثر عروض مرض عطش.

«فشاربون شرب الهیم؛ پس همانند شتران عطش زده می نوشید.»

۱۳- عشار

عشار مراد از عشار مطلق حامله است اما بعضی آن را به معنای شتر حامله دانسته اند.

دومین کنگره ملی شتر

The Second National Congress of Camel in Iran

دوم و سوم بهمن ماه ۱۳۹۵ - دانشگاه هرمزگان



«و اذا العشار عطلت؛] و آن گاه که شتران آبستن ده ماهه (با ارزش ترین مال آن عصر) رها و بی صاحب مانند.»

در سیره و سنت نبوی نیز جایگاه شتر قابل توجه بود و به خصوصیات و ویژگی های عجیب این حیوان نجیب اشاره شده است. در صحیحین و سنن حدیث و به اصطلاح در صحاح سته قصه ای وجود دارد به نام قصه «عربیین» که به حکم آن رسول گرامی اسلام به طایفه بیمار عربیین دستور داده که با نوشیدن ادرار و شیر شتر خود را درمان کنند. در این که آیا حکم این دستور طبی رسول خدا(ص) خاص طایفه مذکور بوده یا برای همه عمومیت دارد، فقها اختلاف نظر دارند.

در هر صورت این قصه می رساند که وجود شتر طبق وحی الهی - ولو به طور خاص و مقطعی هم شده - شفا بخش هم بوده است. همان طور که طبق حدیث هجرت شتر از الهام الهی نیز محفوظ و بهره مند بوده و لباس کرامت برتن کرده است، زیرا شتر رسول اکرم(ص) در نخستین روز ورود آن - حضرت به مدینه منوره در روزهای تاریخی هجرت طبق حدیث زیر از جانب خداوند مأموریت داشته که ابتدا در محل درب مسجدالنبی و سپس در جلو خانه ابویوب انصاری (رض) زانو زند:

خَلُّوا سَبِيلَهَا فَأَنهَآ مَأْمُورَت

راه را برای ناچه (شتر) باز بگذارید چون (از جانب خداوند) مأموریت دارد (و می داند که کجا زانو زند).

گوشت و شیر شتر از طعام های مورد علاقه حضرت یعقوب علیه السلام بوده و آن حضرت وقتی به بیماری «عرق النساء» مبتدا شد نذر کرد که چنانچه از این بیماری شفاء یابد از خوردن و آشامیدن غذایی که بیش از اغذیه دیگر بدان علاقمند است، خودداری می کند و غذای مورد علاقه فراوان حضرت یعقوب (ع) به گفته مفسرین گوشت و شیر شتر بوده است.